سازوکارهای فقه سیاسی امامیه و کارآمدی جمهوری اسلامی در رهیافت سیستمی جامع‌نگر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۰

علیرضا محمدی *

محمدحسین خوانین‌زاده **

محمدرضا ابراهیم‌نژاد ***

تحقق کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، از مسائل اصلی جامعه ایران است. افزون بر مشکلات عینی در عرصه‌های مدیریتی کشور، مطرح شدن الگوی حکومت دینی در سطح بین‌المللی نیز بیانگر اهمیت آن می‌باشد. با توجه به ابتنای نظام ج.ا.ا بر مبانی دینی، پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که «فقه سیاسی امامیه در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا از چه سازوکارها برخوردار و نحوه تحقق آن کدام است؟» می‌کوشد با روش توصیفی ـ تحلیلی و تجویزی، این فرضیه را اثبات کند که «فقه سیاسی امامیه در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا از دو دسته سازوکارهای بینشی ـ ارزشی و سازوکارهای احکامی ـ رفتاری برخوردار است و وصول به این هدف، نیازمند کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر به کارآمدی نظام ج.ا.ا و فقه سیاسی امامیه به صورت توأمان می‌باشد». ماهیت نظام‌مند و به‌هم‌پیوسته نظام سیاسی و فقه سیاسی، اقتضای اتخاذ مدلی علمی می‌نماید که پوشش‌دهنده همه ابعاد، عناصر و تعاملات داخلی و بیرونی این دو متغیر بوده، قابلیت سازوکارهای فقه سیاسی را در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا و چگونگی اثرگذاری را به بهترین وجه ممکن تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: امامیه، رهیافت سیستمی جامع نگر، فقه سیاسی، کارآمدی جمهوری اسلامی.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (alirezamohammadi_73@yahoo.com).

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، (نویسنده مسئول) (khavaninzadeh@atu.ac.ir).

*** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ebrahimnejad@yahoo.com).

۱. مقدمه

چگونگی تحقق و ارزیابی کارآمدی نظام ج.ا.ا و نحوه مقابله با چالش‌های فراروی کشور در جهت نیل به اهداف و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، از مسائل و دغدغه‌های اصلی جامعه ایران در دهه چهارم انقلاب اسلامی است؛ تا آنجا که رهبر معظم انقلاب، مشروعیت مسئولان را وابسته به کارآمدی ایشان می‌داند (خامنه‌ای، ۳۱ شهریور ۱۳۸۳). اثربخشی انقلاب اسلامی در فراسوی مرزها، گسترش بیداری اسلامی و مطرح شدن الگوی حکومت دینی، طرح شبهات تئوریک در تقابل مدیریت فقهی با علمی (سروش، ۱۳۷۳: ۵۴-۵۵) و وجود مشکلات عینی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، بیانگر اهمیت این موضوع است. با توجه به ابتنای این نظام بر بنیادهای مترقی دینی، مسئله اصلی پژوهش حاضر، ظرفیت‌سنجی سازوکارهای فقه سیاسی در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا است و با طرح این پرسش که «فقه سیاسی امامیه در راستای کارآمدسازی نظام ج.ا.ا چه سازوکارهایی دارد و نحوه تحقق آن کدام است؟» این فرضیه را بررسی می‌کند: «فقه سیاسی امامیه در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا از دو دسته سازوکارهای بینشی ـ ارزشی و سازوکارهای احکامی ـ رفتاری برخوردار است و وصول به این هدف، نیازمند کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر به کارآمدی نظام ج.ا.ا و فقه سیاسی امامیه به صورت توأمان است»؛ بدین بیان که ماهیت نظام‌مند و به‌هم‌پیوسته نظام سیاسی و فقه سیاسی، اقتضای اتخاذ مدلی علمی می‌نماید که پوشش‌دهنده همه ابعاد، عناصر و تعاملات داخلی و برونی این دو متغیر بوده، قابلیت سازوکارهای فقه سیاسی را در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا و چگونگی اثرگذاری را به بهترین وجه ممکن تبیین نماید.

درباره موضوع فوق، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه کارآمدی و فقه سیاسی، از نظر کمّی و کیفی، در آغاز راه بوده، به‌رغم نوآوری‌های ارزشمند، فاقد نگاهی جامع به همه ابعاد این دو متغیر است. بسیاری از تحقیقات انجام‌شده در خصوص کارآمدی این نظام، یا اساساً کاربرد رویکرد سیستمی را برنتابیده‌اند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۶؛ ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۱۷)، یا بر برخی فرایندهای نظام، مانند تصمیم‌گیری (نبوی، ۱۳۹۴: ۲۲۷)، و یا بر رویکرد دینی متمرکز شده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۹۳). درباره فقه سیاسی نیز پژوهشی جامع با رویکرد سیستمی برای ظرفیت‌سنجی سازوکارهای فقه سیاسی در ارتباط با کارآمدی نظام ج.ا.ا ارائه نشده است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶؛ واسطی، ۱۳۹۱: ۲۶۵؛ خسروپناه و یزدانی‌فر، ۱۳۹۵: ۲۷) و یا صرفاً به سازوکارهای تحول در فقه سیاسی شیعه (سیدباقری، ۱۳۸۸) و توانایی‌های آن در زمینه

نظام‌سازی (اکبری، ۱۳۹۲) پرداخته‌اند.

در حقیقت از منظر نگارنده این سطور، فقدان رویکرد جامع به همه ابعاد درون‌سیستمی و برون‌سیستمیِ کارآمدی و تمرکز بر برخی «سازوکارهای احکامی ـ رفتاریِ» فقه سیاسی و عدم توجه به «سازوکارهای بینشی ـ ارزشی» و کیفیت تعاملات این دو متغیر، کاستی‌های مهمی را در سطوح مختلف نظریه‌پردازی، مدیریتی و فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی، تا گزینش‌گری و ارزیابی در خصوص کارآمدی نظام ج.ا.ا بر اساس فقه سیاسی به دنبال داشته، در ارائه تصویری جامع از ظرفیت‌های فقه سیاسی امامیه نیز ناتوان است.

در مواجهه با چالش‌های فوق، پژوهش حاضر می‌کوشد با اتخاذ مدل علمی مناسب با عنوان «رهیافت سیستمی جامع‌نگر»، ابتدا تصویری جامع از عناصر و عوامل کارآمدی ج.ا.ا و شاخصه‌های آن در راستای تحقق حیات طیبه ارائه کند و پس از تبیین سازوکارهای متنوع فقه سیاسی امامیه، ظرفیت‌های آن را در این چارچوب علمی مورد واکاوی قرار دهد و توصیه‌های لازم را در جهت ارتقای کارآمدی نظام ج.ا.ا از منظر این دانش دینی ارائه نماید. این پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، و در جهت شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش توصیفی ـ تحلیلی، تجویزی و روش استنادی ـ استنباطی و تحلیل عقلانی گزاره‌ها استفاده می‌کند.

۲. مبانی نظری

بررسی ظرفیت‌سنجی سازوکارهای فقه سیاسی در حصول کارآمدی نظام ج.ا.ا نیازمند ارائه مدلی علمی و تبیین مفهومی دقیق این اصطلاحات است. اینکه الگوی ما در بررسی و حصول به کارآمدی نظام ج.ا.ا چیست و شاخصه‌های آن کدام است؟ معنای فقه چیست و شامل چه موضوعاتی است؟ موضوع فقه سیاسی کدام است و نحوه ارتباط آن با فقه و سیاست چگونه است؟ از جمله مطالبی است که در گام آغازین این پژوهش بدان می‌پردازیم.

الف) کارآمدی جمهوری اسلامی

اصطلاح «کارآمدی»[1] به عنوان وجهه عملکردی نظام سیاسی، با انجام موفقیت‌آمیز کارویژه‌ها و تحقق اهداف سیستم سیاسی در پیوند است (Almond and Pawell, 1978: 5-6).

1. Effectiveness/Efficinency.

درباره عناصر و مؤلفه‌های کارآمدی، نظریه‌های مختلفی همچون توفیق، رضایت، عملی کارآمدی، سیستمی و تکلیف‌مداری ارائه شده است (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۷۷-۹۵) که بر هر کدام از آنها ایرادهایی وارد است (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۱۶). دراین‌میان، نظریه سیستمی، به‌رغم برخی کاستی‌ها، رویکردی علمی و عینی به ماهیت نظام سیاسی، ارکان، فرایندهای کارکردی و کارویژه‌های آن دارد (عابدینی، ۱۳۸۹: ۲۵). ارتباط و وابستگی متقابل میان اجزا و محیط، کل‌گرایی، هدفمندی، فرایند، درون‌داد و برون‌داد، فرسایش، عقلانیت، قانون‌مندی و نظم، کارکرد، سلسله‌مراتب، تفکیک و تمایز، از جمله ویژگی‌های این روش علمی است (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۲۲۸). ازاین‌رو، در تبیین ابعاد کارآمدی، از توانایی بیشتری برخوردار بوده، ذهن را در تفکیک شاخصه‌های کارآمدی نظام سیاسی یاری می‌رساند (نبوی، ۱۳۹۴: ۲۲۷) و از این قابلیت برخوردار است که می‌توان ضمن استفاده از امتیازهای سایر نظریه‌ها و برطرف ساختن کاستی‌ها، آن را مطابق با ماهیت و ابعاد مختلف نظام ج.ا.ا تحت عنوان «رهیافت سیستمی جامع‌نگر»، بومی‌سازی نمود.

از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، نظام سیاسی کلیتی به‌هم‌پیوسته است و تحقق کارآمدی، نیازمند رویکردی جامع و کلان به همه عوامل مؤثر، ایده بنیادین، فرایندها و حوزه‌های عملکردی آن می‌باشد (نمودار ۱). از این منظر، کارآمدی، از یک سو با کیفیت عوامل چهارگانه «اندیشه‌ای و بینشی، ساختاری، کارگزاری و رفتاری» مرتبط است و از دیگر سو، با نحوه عملکردی نظام سیاسی در فرایندهای درونی و محیط پیرامونی خویش در ارتباط است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۸۰). توضیح اینکه:

یک ـ اندیشه بنیادین؛ که در باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آن جوامع ریشه دارد (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۷۲)، از کارکردهای مهمی در نظام سیاسی، مانند تأسیس دولت و ساختارهای آن، تعیین اهداف، استراتژی‌ها، برنامه‌ریزی، روش‌ها، نقش‌ها و شرایط کارگزاران، همبستگی اجتماعی و روابط متقابل نظام‌های پیرامونی برخوردار است و میزان خردپذیری، حقانیت و تناسب این باورها با واقعیات هستی نیز نقشی مهم در تحقق کارآمدی یا ناکارآمدی ایفا می‌نماید (مرتضوی، ۱۳۷۸: ۷).

دو ـ ساختارهای مناسب؛ نحوه اِعمال حاکمیت و توزیع قدرت (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۴) و ساماندهی این ساختار بر اساس هندسه‌ای منظم و هدفمند، از دیگر عوامل کارآمدی است که ویژگی‌هایی بدین قرار دارد: تناسب و ابتنا بر اندیشه بنیادین متقن، طراحی در راستای تحقق اهداف سیستم، انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی تغییرات، تفکیک اجزا، تقسیم کار و

تعیین محدوده فعالیت کارگزاران، و تعادل (های، ۱۳۸۵: ۵۱).

سه ـ کارگزاران شایسته؛ وجود مدیران ذی‌صلاح در موقعیت‌ها و ساختارهای حکومت، از دیگر عوامل مهم کارآمدی است (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۷۷). شایستگی و صلاحیت کارگزاران با اندیشه‌های بنیادین، اهداف نظام، نوع جایگاه و نقش‌ها در درون ساختارها مرتبط است و لازم است از مهارت‌های مختلف مدیریتی، مانند مهارت‌های فنی و تکنیکی، انسانی، ادراکی یا تفهیمی و شناختی برخوردار باشند (حقیقی، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

چهار ـ رفتار مناسب؛ اقدام و عمل نظام سیاسی در تحقق عینی اهداف خود در محیط داخلی و خارجی، عینی‌ترین سطح کارآمدی است که مبنای قضاوت شهروندان درباره کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام سیاسی شمرده می‌شود. اگر حکومتی در ابعاد اندیشه‌ای، ساختاری و کارگزاری، مدعی کمال و کارآمدی است، باید این مدعا را با حُسن فاعلی و فعلی و اجرای صحیح، کارشناسانه، مدبرانه و قاطعانه برنامه‌هایش در جهت وصول به اهداف خود، اثبات کند تا کارآمد تلقی شود (نبوی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۶).

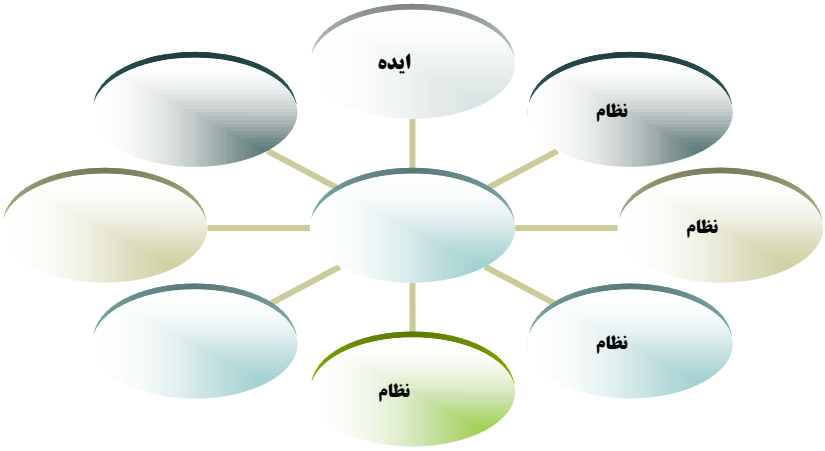

نمودار ۱. مؤلفه‌های مؤثر بر کارآمدی از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر

همچنین کارآمدی یک نظام سیاسی، رابطه تنگاتنگ و متقابلی با نظام‌های پیرامونی آن دارد؛ زیرا افزون بر اثرگذاری این نظام‌ها بر عوامل چهارگانه کارآمدی، ظرف تحقق عینی کارآمدی نظام سیاسی، همین نظام‌های پیرامونی‌اند. «نظام فرهنگی» بیانگر مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای منسجم و مرتبط با هم است که بر مبانی خاص معرفتی استوار بوده، آثار و کارکرد جمعی دارد. «نظام اجتماعی» به ساختار سازمانی و نهادی اجتماع اشاره دارد که کارکردشان، ایجاد یکپارچگی و حفظ همبستگی و هماهنگی عناصر سازنده جامعه، مانند نهاد خانواده، نهادهای آموزشی و احزاب است.

منظور از «نظام اقتصادی»، ساخت سازمانی و نهادی اقتصاد، شامل ماهیت مالکیت و کنترل منابع است که از طریق آن، خدمات و کالاها تولید، توزیع و مصرف می‌شوند و بالاخره «نظام بین‌المللی»، مجموعه‌ای از دولت‌ها، سازمان‌ها و بازیگران بین‌المللی است که با یکدیگر رفتار متقابل داشته، بستگی به شرایط و نوع روابط، از یکدیگر اثر می‌پذیرند و بر هم اثر می‌گذارند (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۳۳۷). بدین ترتیب، نظام سیاسی با ایفای کارویژه‌های سیستمی در مراحل مختلف، مانند مرحله تبدیل ورودی‌های سیستم به خروجی‌های مناسب با سیاست‌گذاری، اجرا و قضاوت، و مرحله تطبیق با شرایط محیطی، و مرحله تطابق در راستای اثرگذاری بر محیط‌های چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی، کارآمدی خود را به منصه ظهور می‌رساند. بدیهی است کیفیت عوامل و میزان غنای نظام‌های پیرامونی و میزان استفاده نظام سیاسی از این نظام‌ها، نقش مهمی در کارآمدی سیاسی ایفا می‌نماید.

در یک جمع‌بندی مطابق رهیافت سیستمی جامع‌نگر، کارآمدی نظام ج.ا.ا به مفهوم «قابلیت و توانایی آن در نظام‌سازی مبتنی بر عوامل ایده‌ای، ساختاری، کارگزاری و رفتاری برای بسیج منابع در جهت تشخیص صحیح و انجام کارویژه‌های حکومت در سطوح داخلی و پیرامونی، به صورت موفقیت‌آمیز در راستای نیل به حیات طیبه با توجه به امکانات و موانع است».

ب) فقه سیاسی امامیه

پس از تبیین ماهیت و اقتضائات کارآمدی نظام ج.ا.ا، لازم است ماهیت و دامنه موضوعیِ دانش فقه و فقه سیاسی مورد مداقه قرار گیرد تا صلاحیت آن در ورود به مسائل نظام سیاسی و کارآمدی آن مشخص شود.

یک ـ محوریت فقه اکبر

واژه «فقه» معانی و کاربردهای مختلف دارد و در یک دسته‌بندی، به معانی خاص و عام قابل تقسیم است. در رویکرد خاص یا فقه اصغر، اصولیان و فقیهان، این واژه را به معنای علم و آگاهی دقیق به احکام شرعی عملی دانسته‌اند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج۱: ۴۰)؛ اما در رویکرد عام یا فقه اکبر، فقه به احکام فرعیه اختصاص نداشته، شامل عقاید و اصول دین، اخلاق و عرفان، احکام و معارف دینی می‌شود (تهانوی، ۱۴۱۸ق، ج۳: ۴۷۸)؛ چنان‌که علامه طباطبائی می‌نویسد: «مقصود از تفقه در دین، فهمیدن همه معارف دینی از اصول و فروع آن است؛ نه خصوص احکام عملی» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۹: ۵۵۰). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز

مراد از فقه، تنها علم به احکام فرعیه نیست؛ بلکه علم دین، اعم از معارف الهی و عقاید حقّه و علم اخلاق و فقه به معنای مصطلح است: «فقه الدین، فقه فقط فروع نیست؛ فقه اکبر، توحید و معارف است» (خامنه‌ای، ۱۵ تیر ۱۳۸۳). براین‌اساس، افزون بر انسجام معارف اسلامی و گستره مفهومی ـ کاربردی فقه، اقتضائات کارآمدی نیز نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و نظام‌مند به فقه است؛ زیرا مطابق رهیافت سیستمی جامع‌نگر، کارآمدی نظام ج.ا.ا تنها به حوزه احکام ـ رفتار، محدود نبوده، با دیگر عوامل مهم، از قبیل ایده‌های بنیادین و نظام فرهنگی نیز مرتبط است.

دو ـ موضوعیت امر سیاسی

در خصوص دامنه موضوعی فقه سیاسی و نحوه ارتباط موضوعی آن با فقه و سیاست، می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد: در رویکرد سنتی، فقه سیاسی دانشی است که به «افعال سیاسی مکلفان» می‌پردازد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج۲: ۵۱)؛ اما شامل مفاهیم مدرنی که در شمار افعال سیاسی مکلفان جای نمی‌گیرند، مانند دولت ـ ملت، مشروعیت، حاکمیت و برابری نمی‌شود. رویکرد دوم با تقلیل‌گرایانه دانستن رویکرد پیشین، موضوع فقه سیاسی را «امر سیاسی» می‌داند (میراحمدی، ۱۳۹۱: ۳۱) که از شاخص‌هایی مانند انعطاف‌پذیری، جمعی و ارادی بودن، معطوف به قدرت بودن، و تلفیقی از حق و حکم بودن برخوردار است (همو، ۱۳۹۰ :۱۳۰؛ فیرحی، ۱۳۹۱: ۹۴-۱۷۱). از این منظر، فقه سیاسی می‌تواند متکفل بررسی مفاهیم مدرن باشد.

بر اساس رهیافت سیستمی جامع‌نگر، تحقق کارآمدی نظام ج.ا.ا نیازمند تعامل و به‌کارگیری رویکرد عام فقه با موضوعیت امر سیاسی است؛ زیرا ابعاد و کارویژه‌های نظام سیاسی و عوامل چهارگانه کارآمدی آن، تنها به حوزه احکام فقهی ـ به مفهوم خاص ـ محدود نشده، نیازمند عقاید و اخلاقیات نیز می‌باشد و سیستم مدیریتی فقه، در جهت نظریه‌پردازی و ارائه قواعد مدیریتی کارآمد، نیازمند ابتنا بر باورها و ارزش‌های بنیادین است. همچنین نظام‌مندی و پیوستگی معارف اسلامی، ضرورت اتخاذ رویکرد عام و توسعه‌یافتگی معنایی فقه را اقتضا می‌کند (قوامی، ۱۳۹۲: ۱۷). همچنین نظام ج.ا.ا کارکردهای مختلفی در خصوص نظام‌های پیرامونی خویش در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی دارد و فراتر از افعال سیاسی مکلفان و موضوعات سنتی، مفاهیم مدرن و حقوق عمومی را نیز دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب، موضوع فقه سیاسی بر محوریت امر سیاسی چنین تعریف می‌شود: فقه سیاسی بخشی از فقه است

که عهده‌دار اصول و قواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون جامعه اسلامی و سیاست خارجی و تنظیم روابط بین‌الملل و جهانی اسلام است و با پرداختن به موضوع سیاست و جریان قدرت در جامعه، احکام جامعه سیاسی و مکلفان را در نظام اجتماعی ـ سیاسی معیّن می‌کند و به چالش‌های جامعه دینی پاسخ می‌دهد. بنیان‌گذار ج.ا.ا نیز با نگاهی جامع به فقه، بر ضرورت پاسخ‌گویی آن به همه نیازهای بشر معاصر تأکید می‌ورزید:

> حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفهٔ عملی تمامی فقه است و فقه در تمام زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان‌دهندهٔ جنبهٔ عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج۲۱: ۲۸۹).

براین‌اساس، تمامی پاسخ‌هایی که فقه به پرسش‌ها و نیازهای سیاسی زمان خویش می‌دهد، همه در محدوده فقه سیاسی است.

۳. فقه سیاسی کارآمد

ملاک کارآمدی فقه اسلامی، تحقق حیات طیبه (نحل: ۹۷) است و نیل به آن تنها با مدیریت موفقیت‌آمیز جامعه در چارچوب حاکمیت اسلامی و فقه سیاسی که سعادت توأمان دنیوی و اخروی را دنبال می‌کند، امکان‌پذیر است. موفقیت در مدیریت اجتماعی نیز نیازمند نگرشی کلان، جامع و فرایندگرا در استنباطات فقهی است. آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت این امر می‌فرماید:

> استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد؛ نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد (خامنه‌ای، ۳۱ شهریور ۱۳۷۰).

زیرا نگاه نظام‌وارگی مجتهد به موضوعات هنگام استنباط، نتایج بسیار متفاوتی را، حتی در ریزترین مسائل فقهی ـ مانند ماء الحمام ـ در پی دارد؛ چه رسد به مسائل مهم جامعه و حکومت. براین‌اساس، مطابق رهیافت سیستمی جامع‌نگر، ملاک کارآمدی فقه سیاسی امامیه، میزان توانایی آن در سیاست‌گذاری‌های کلان، جامع و مبناگرا در فرایندهای مختلف داخلی و پیرامونی نظام سیاسی، در جهت تحقق شاخصه‌های وصول به حیات طیبه (جدول شماره ۱) است. اما صرف‌نظر از برخی کاستی‌هایی که فقه موجود در مقام عمل بدان مبتلاست، پرسش اصلی چنین است: فقه سیاسی امامیه در حصول به کارآمدی نظام ج.ا.ا و تحقق شاخصه‌های حیات طیبه اسلامی، کدام سازوکارها را داراست؟

۴. سازوکارهای فقه سیاسی

«سازوکار» یا «راهکار» به معنای شرح عملکرد یک دستگاه، یا تأثیرات متقابل و یا هر نوع ترتیب، ترکیب یا توالی اعمال، پاسخ‌ها، نگرش‌ها و ساختارهایی است که شیوه اجرای اهداف و وظایف، نیازها یا فرایندهای معیّن را ممکن می‌سازد (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۴۰۶). اما منظور از سازوکارهای فقه سیاسی، راهکارها، اصول، قواعد و نحوه عملکرد دستگاه فقه سیاسی، از طریق مبانی و منابع معرفتی، ارزشی و احکامی خود در جهت نظریه‌پردازی جامع و کلان‌نگر و فرایندگرا درباره نظام و جامعه اسلامی، در راستای وصول به اهداف متعالی، در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و کارآمدی نظام اسلامی است. در یک دسته‌بندی، مجموعه این سازوکارها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) سازوکارهای بینشی ـ ارزشی

فقه سیاسی امامیه، در نظریه‌پردازی سیاسی و شناخت احکام فردی و اجتماعی موضوعات مورد نیاز جامعه، تنها به احکام فرعیه و منابع آنها بسنده نکرده، از دیگر حوزه‌های فکر اسلامی، مانند فلسفه، کلام و اخلاق سیاسی اسلامی نیز بهره می‌برد؛ چراکه بینش‌ها (عقاید و کلام) و ارزش‌ها (اخلاقیات)، لایه‌های زیرین رفتارهای سیاسی در سطوح مختلف آن هستند و سیستم مدیریتی فقه، در جهت نظریه‌پردازی و ارائه قواعد مدیریتی کارآمد، نیازمند ابتنا بر باورها و ارزش‌های بنیادین است (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۳). در میان علوم اسلامی، دانش‌های فلسفه و کلام عهده‌دار تبیین عقاید سیاسی بوده، ضمن تأثیر بر اخلاق سیاسی، با کمک این دانش، از جمله پیش‌نیازهای رفتار و کنش‌های سیاسی شمرده می‌شوند، که فقه سیاسی عهده‌دار تبیین احکام آن است. این دانش‌ها از تعاملات گسترده‌ای با یکدیگر برخوردارند (نمودار شماره ۲).

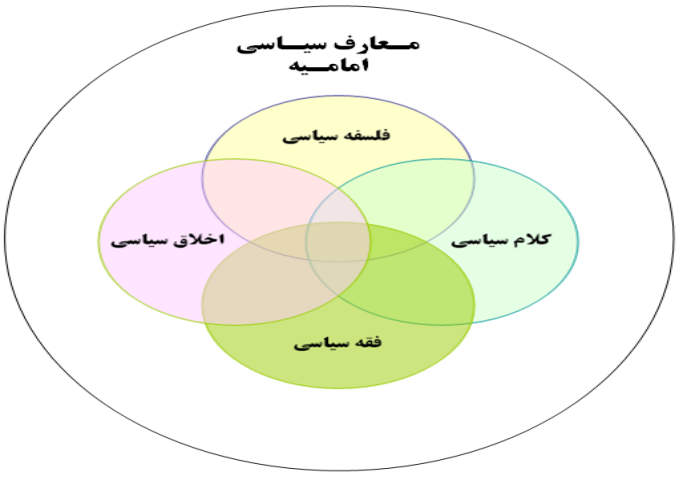

نمودار ۲: تعاملات دانش‌های سیاسی مذهب امامیه

مطابق نمودار فوق، هر یک از منابع معرفتی فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی به صورت نظام‌مند، تشکیل‌دهنده منظومه معرفتی دانش سیاسی اسلامی و چارچوب‌های عملکردی نظام اسلامی هستند. ازاین‌رو، با توجه به اثرگذاری آنان بر فقه سیاسی و کارکردهای متعددی که در فرایندهای مختلف نظام سیاسی ایفا می‌نمایند، استفاده به‌جا و مناسب از همه این منابع معرفتی اسلام به عنوان سازوکارهای بینشی ـ ارزشی، از لوازم کارآمدی نظام ج.ا.ا است.

یک ـ فلسفه سیاسی[1]

نوعی خاص از تعقل و استدلال نظام‌مند درباره مفاهیم، موضوعات و پدیده‌های سیاسی، به منظور شناخت ماهیت امور سیاسی و حل و رفع مشکلات اجتماعی و سیاسی است (Strauss and Cropsey 1987: p10-12). هدف فلسفه سیاسی اسلامی، فهم سیاست، امور، پدیده‌ها و رفتارهای سیاسی در جامعهٔ مسلمانان یا در متون و معارف اسلامی و تبدیل باورهای سیاسی به معرفت سیاسی با شیوه‌ای عقلانی در جهت ترسیم حیات سیاسی اجتماعی مطلوب است؛ چنان‌که از نظر فارابی، نظام مدینه فاضله بر قاعده وحی قرار داشته و تنها از این طریق کمال انسان حاصل می‌شود (فارابی، ۱۳۵۸: ۸۱). همچنین کاربرد استدلال‌های عقلی برای اثبات ضرورت حکومت دینی و اثبات ولایت فقیه از سوی برخی فلاسفه اسلامی از دیگر موارد است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵۰، ۷۵، ۱۵۱). بنابراین، مجتهدی

1. Political Philosophy.

که در مباحث مهم فلسفه سیاسی همچـون آزادی، قـدرت، تفکیـک قـوا، توزیـع قـدرت، برابری، عدالت و مشروعیت به نتیجه خاصی رسیده باشد، متون دینی (کتاب و سنت) را در قالب خاصی می‌فهمد (حقیقـت، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر نقـش مهـم فلسـفه اسلامی، در شناخت و تنظیم سیاست دینی تأکید دارد:

> فلسفه باید ما را به معرفت کامل برساند. باید دید در وادی معرفت در سطح بشری، چه کـار دارد می‌شود. بایستی پی درپی کارهای جدید، افکار جدید، روش‌ها و متدهای جدید در حوزه مطرح بشود (خامنه‌ای، ۱۳ شهریور ۱۳۷۰).

بدین ترتیب، فلسفه سیاسی اسلامی از کاربردهای مهمی در اثبـات، نظریـه‌پـردازی و تأمین پشتوانه عقلی احکام فقه سیاسی درباره امور سیاسی مورد نیاز جامعه و دفاع عالمانه با پاسخ‌گویی به شبهات، برخوردار است.

دو ـ کلام سیاسی[1]

شاخه‌ای از علم کلام است که به تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های دینی در باب مسائل سیاسی می‌پردازد و از آنها در قبال دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب دفاع مـی‌کنـد (بهروز لک، ۱۳۸۳: ۲۷۶-۲۴۱)؛ مانند مسئله منصب الهی امامت (شیخ طوسی، ۱۳۹۴ق، ج۱: ۱۸۰) و تعیین وضعیت سیاسی شیعیان در دوران غیبت امام معصوم(عج) با انتصاب نایبـان (سـید مرتضـی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). از منظر بنیان‌گذار ج.ا.ا نیز بنیادی‌ترین مبنای کلامـی، اصـل توحیـد است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج۵: ۳۸۷ـ۳۸۸) و حکومت و حاکمیت مطلق، از آنِ خداونـد متعـالی است که در مرحله بعد آن را با شرایطی به «انبیا، اولیا و علمای آگاه» تفویض نموده است (همان، ج۱۳: ۴۳۲). حاکمیت پارادایم «توحید» بر تمامی روابط هستی، بر تعریف مفـاهیم و الگوهای روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و روابط انسانی در ابعاد داخلی و بین‌المللی، نـوع حکومـت و حاکمیـت، شـرایط حـاکم، حریـت و آزادی، مسـاوات و برابـری، نفـی شخص‌پرستی و لذت‌پرستی، ظلم‌ستیزی، قانون و قانون‌گـذاری، و اهـداف و کارکردهـای نظام سیاسی اثرگذاری بنیادین دارد.

کلام سیاسی امامیه با پویایی خویش در پاسخ‌گـویی بـه نیازهـای فکـری ـ سیاسـی معاصر در حوزه مبانی حکومت دینی و دفاع عالمانـه از عقایـد سیاسـی امامیـه، موجبـات

1. political theology.

استحکام مبانی تئوریک فقه سیاسی امامیه را فراهم می‌آورد.

سه ـ اخلاق سیاسی[1]

علم اخلاق، قواعدی را تنظیم و تدوین می‌کند که بر رفتار انسان در زندگی اجتماعی اثر گذارد (عالم، ۱۳۸۶: ۷۲). در اخلاق سیاسی، موضوعاتی مانند ارتباط فرد با جامعه و حاکمان و کارگزاران نظام، و ارتباط متقابل حاکم یا کارگزاران با جامعه یا دیگر بخش‌های نظام مورد مطالعه قرار می‌گیرد و درصدد است با کاربست ارزش‌های مطلوب شارع مقدس، همچون عدالت، انصاف، صداقت و درستی، موجبات اصلاح در روابط متقابل فرد، جامعه و حکومت را فراهم سازد. در فهم دینی و نظریه‌پردازی و نظام‌سازی سیاسی، شرایط کارگزاران، قانون‌گذاری، فرایندهای اجرایی و ایستادگی بر اصول و ارزش‌های دینی و منافع ملی، اثرگذار است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج۲: ۲۰۳-۲۰۴) و نتایج ارزشمندی چون بنیان گذاشتن سیاست بر اصول آزادی، برابری، برادری، عدالت اجتماعی، خیرخواهی، خدمت به مردم، ظلم‌ستیزی، قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری، عزت‌مندی، سخت‌کوشی، قناعت، انسجام اجتماعی، تعاون و همکاری، تکریم انسان، امنیت گسترده و صلح جهانی را به دنبال دارد.

بدین ترتیب، در نظام معرفت‌شناسانه فقه سیاسی امامیه، با رسمیت دادن به دانش‌های مختلف اسلامی و استفاده از همه معارف چهارگانه کلی، یعنی معارف حسی یا تجربی، عقلی یا برهانی و استدلالی، شهودی یا عرفانی، و وحیانی، به شناختی جامع و واقع‌بینانه از ابعاد وجود جهان هستی و انسان دست یابد، تا بر اساس آن، چشم‌انداز زندگی خود را در راستای استنباط و نظریه‌پردازی در جهت وصول به حیات طیبه و سعادت دو گیتی برنامه‌ریزی کند.

ب) سازوکارهای احکامی - رفتاری

منظور از سازوکارهای احکامی ـ رفتاری، سازوکارهایی است که در جهت تبیین احکام دینی در خصوص تعیین رفتار مکلف ـ اعم از فرد و دولت ـ و در حوزه‌های مختلف کنش‌های نظام سیاسی و فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی آن در تعامل با خرده نظام‌های پیرامونی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. political ethics.

این سازوکارها دامنه وسیعی دارد که در ادامه به مهم‌ترین کاربردهای آن در فقه سیاسی امامیه می‌پردازیم:

یک ـ منابع وحیانی

منابع وحیانی فقه سیاسی امامیه، شامل قرآن و سنّت معصومان علیهم‌السلام است. امتیاز این منابع اصیل وحیانی این است که به علم لایتناهی مبدأ هستی متکی است، نه خواست‌های فردی و گروهی بشری، تا دچار کاستی‌های دانشی و نسبیت‌گرایی منطقه‌ای و عصری گردد. این معارف الهی، از ویژگی‌هایی چون مطابقت با فطرت و نیازهای انسان، جامعیت و در نظر گرفتن تمامی ابعاد وجودی انسان، هماهنگی و سازگاری، جهان‌شمولی و زمان‌شمولی، انعطاف‌پذیری در عین ثبات، واقع‌گرایی و اعتدال برخوردار است (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۲۴۳-۲۴۸) و به مثابه کارآمدترین، گسترده‌ترین و همخوان‌ترین منبع برای استنباط فقه سیاسی درباره پدیده‌های متغیر و ثبات‌ناپذیر سیاسی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، حکمرانی در فقه سیاسی امامیه، مشروط به منابع وحیانی است (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۳) که این امر به دلیل واجدیت امتیازات منابع وحیانی اصیل، همچون اتکا به علم لایتناهی مبدأ هستی، جامعیت و کمال، خطاناپذیری، مطابقت با فطرت و عقلانیت و انعطاف‌پذیری است.

دو ـ حجیت عقل

اصولیان مذهب امامیه، عقل را در کنار کتاب، سنت و اجماع، یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی می‌دانند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۵) و میان عقل و شرع، ملازمه و رابطه‌ای ناگسستنی معتقدند (مظفر، ۱۳۷۰، ج۱: ۲۰۷). فقه سیاسی امامیه، افزون بر اثبات ضرورت حکومت از سوی عقل، از کاربردهای گسترده این منبع در پاسخ‌گویی به اقتضائات حکومتی استفاده می‌کند و با تحلیل امور سیاسی جامعه، مدرکات و آرای عقل، با تکیه بر حسن و قبح عقلی ـ به استقلال یا غیر استقلال ـ به تولید حکم شرعی در تدبیر مدن و زندگی سیاسی شیعه می‌پردازد (فیرحی، ۱۳۸۳: ۳۰۱). بدین ترتیب، زمینه طرح مباحث مورد نیاز جامعه اسلامی، همچون ضرورت حاکمیت الهی، لزوم حفظ نظام، اثبات ولایت فقیه، قانون‌گذاری در چارچوب شرع و حوزه فراغ، عدالت اجتماعی و راهکارهای تحقق آن، آزادی و حقوق شهروندی، مسائل دفاعی و ده‌ها موضوع از این قبیل در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، در فقه سیاسی امامیه در راستای تحقق کارآمدی نظام ج.ا.ا فراهم می‌گردد.

سه ـ اجتهاد و نقش زمان و مکان

اجتهاد، بذل جهد و کوشش برای استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۹) تا با چنین کوششی، حکم شرعی عمل مکلفان، اعم از فرد و جامعه در عرصه‌های مختلف حیات بشری و متناسب با شرایط زمانی و مکانی گوناگون استنباط گردد. تشخیص مصالح و مفاسد قوانین در موارد تزاحم و نیز کنترل و تعدیل قوانین بر اساس قوانین حاکم، از دیگر کارکردهای مهم اجتهاد است (سروش، ۱۳۷۸: ۸۴). ایفای کارویژه‌های اجتهاد، ضوابط و تخصص‌های علمی و اخلاقی متعددی را اقتضا می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۰۰-۳۲۰) و از منظر روش‌شناختی، روش اجتهادی پذیرفته‌شده در میان فقهای امامیه معاصر، «روش جواهری» است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج۲۱: ۲۷۳). امام خمینی اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها و شرایط علمی و عملی مجتهدان را ناکافی می‌دانست و بر دخالت دادن دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد و بینش و بصیرت جامع و فراگیر مجتهد تأکید می‌ورزید (همان: ۴۲۵). وجود چنین صلاحیت‌هایی، فقه امامیه را در سیاست‌گذاری های جامع و کلان و اتخاذ تصمیمات متناسب در فرایندهای مختلف مدیریتی برخوردار می‌سازد.

چهار ـ مصلحت

مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر است (عاملی،۱۴۲۰ق، ج۱: ۳۵). از منظر کلامی، فقهای شیعه احکام را تابع مصالح و مفاسد واقعی و نفس‌الامری می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۸-۳۱۹)؛ در عین حال، مصلحت منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی نیست و تنها دو نوع کاربرد دارد:

(۱) مصلحت اجراییه؛ که در مرحله تشخیص مصادیق احکام و اجرای حکم، مجری، اعم از فرد یا دولت، مکلف به رعایت مصلحت در کیفیت اجرای حکم است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ج۳: ۶۱۶).

(۲) مبنای احکام حکومتی؛ که مصلحت به عنوان مبنایی برای تغییر احکام شرع غیرالزامی، مانند منطقة الفراغ، یا اعم از احکام الزامی و غیرالزامی، مطابق مصالح اهم جامعه اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۸۳، ج۲۰: ۱۷۰).

این مصالح با کاربست ضوابطی چون محوریت شریعت، به‌کارگیری فرایند اهم و مهم، زمان‌شناسی و مکان‌سنجی دقیق، دوراندیشی و همه‌جانبه‌نگری، غایت‌مداری، تقدیم جامعه بر فرد و ابتنا بر خبرویت و مشورت (ایزدهی، ۱۳۹۳: ۲۵۱)، در ابعاد مختلف سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، محور سیاست‌گذاری و اجرا قرار مـی‌گیـرد (عمیـد زنجـانی، ۱۳۸۴، ج۹: ۱۵۲-۱۵۵). در این چارچوب، امام خمینی با طرح نظریه ولایت مطلقه فقیـه، بـه عنوان نظریه مبنایی نظـام ج.ا.ا، ابعـاد تـازه‌ای از مصـلحت و کاربردهـای مهـم آن را در چارچوب اصول فقه جواهری مطرح نمود و از مصلحت به مثابه قاعده‌ای راهبردی سـخن به میان آورد.

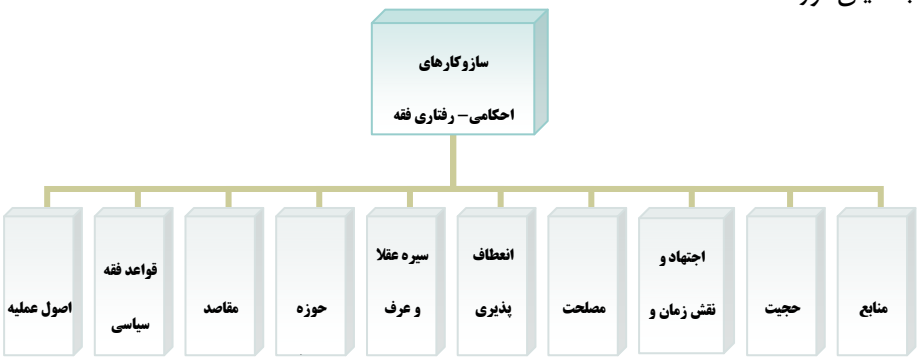

نمودار ۳. سازوکارهای احکامی ـ رفتاری فقه سیاسی امامیه

پنج ـ انعطاف پذیری احکام

قابلیت انعطاف‌پذیری احکام در احوالات و شرایط مختلـف، لازمـه جامعیـت و جـاودانگی اسلام است که از دیدگاهی، احکام اسلامی به اولیـه (ثابـت)، ثانویـه (متغیـر) و حکـومتی (متغیر) تقسیم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۸۷-۸۸). از منظر امام خمینی، ولی فقیه اختیارات تامی دارد که می‌تواند در تمام امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و اجتماعی، حکم حکومتی صادر کند و اطاعت از حکمش واجب است (امـام خمینـی، ۱۳۸۳، ج۲۰: ۱۷۰). پـس اختیارات حاکم اسلامی در حوزه قانون‌گذاری، تنها مربوط به باب تزاحم مصالح شرعی بـا یکدیگر یا دستور به اجرای یک حکم ثانوی نیست؛ بلکه دسته‌ای دیگر از احکام حکومتی نیز وجود دارند که مربوط به امور متغیر جامعه‌اند و به تبـع آنهـا تغییـر مـی‌پذیرنـد؛ ماننـد قوانین صادرات و واردات، امور گمرکی، راهنمایی و رانندگی و ثبـت احـوال (ارسـطا، ۱۳۹۱: ۴۳). بدین ترتیب، انعطاف‌پذیری احکام اسلامی سبب می‌شود همه ابعاد و نیازهای ثابت و متغیر مختلف جامعه به صورت ضابطه‌مند، تحت برنامه‌ریزی جامع نظـام دینـی و احکـام اولیه، ثانویه و حکومتی قرار گیرد. این موضوع کاربردهای فراوانی در حل معضلات جامعه و گشودن بن‌بست‌ها دارد و در پاسخ‌گویی به اقتضـائات مـدیریتی، رفـع گـره‌هـای کـور، برنامه‌ریزی برای آینده، و تطبیق با شرایط محیطی گوناگون، نقش اساسی را ایفا می‌کند.

شش ـ سیره عقلا و عرف

سیره عقلا یا عرف، روشی است در ابواب فقهی که به تطبیق عناوین بسیاری از احکام، و نیز به تشخیص افراد و موضوع حکم می‌پردازد و مورد توجه برنامه‌ریزی دینی است. بخشی از احکام فقه، همچون قراردادها و معاملات نیز امضای عرف موجود در جامعه است. امام خمینی هم بسیاری از امور عرفی و سیره‌های جدید را می‌پذیرفت و آنها را مغایر شرع نمی‌دانست (امام خمینی، ۱۳۸۵ق، ج۲: ۱۳۰). عرف و بنای عقلا، کاربردهای متعدد و مهمی در فقه سیاسی دارد؛ از جمله:

(۱) کشف حکم در مواردی که نصّی از جانب شارع صادر نشده است؛ همچون ساختار و تشکیلات حکومتی و قراردادهای صنعتی (حکیم، بی‌تا: ۴۲۲).

(۲) تشخیص موضوع و مصادیق احکام، به‌ویژه در موضوعات جدید در خصوص ضرورت تأمین امنیت پایدار جامعه اسلامی، حکم وجوب اقتدار پیش‌گیرانه با سلاح‌های متعارف، تعیین مصادیق تألیف قلوب و حرمت تشبّه به کفار (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج۲: ۲۱۸).

(۳) در سطح روابط و حقوق بین‌الملل اسلامی، رسوم و مناسباتی که به‌تدریج و با گذشت زمان در جوامع بشری شکل گرفته و الزامی بودن آنها احساس شود، در صورت عدم ردّ شارع، معتبر است.

۴. در کلیه مسائل سیاسی و حکومتی نیز، عرف به عنوان منبعی حقوقی شناخته می‌شود و با لحاظ شرایط حجّیت عرف (تکرار مستمر و جنبه الزامی بودن آن از سوی همه یا اکثریت مردم و عدم مخالفت با شرع) اعتبار دارد.

بدین ترتیب، عرف و بنای عقلا، از یک طرف در پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون جوامع و از سوی دیگر، در پویایی و انطباق فقه با زندگی نوین اجتماعی، تأثیر بسزایی دارد.

هفت ـ حوزه فراغ

مقصود از منطقةالفراغ در شریعت اسلامی، قلمرویی از دین است که حکم الزامی اثباتی وجوب یا حرمت در آن وارد نشده و در حوزه مباحات است. این قلمرو آزاد در اختیار دولت اسلامی است و می‌تواند با در نظر گرفتن مقتضیات متحول زمانی و مکانی و مصلحت جامعه اسلامی، امر و نهی کند (صدر، ۱۳۷۵: ۶۸۹) و با کارشناسی و تشکیل مجلس متخصصان، در خصوص اتخاذ بهترین تصمیمات در چارچوب مصالح عمومی و موازین عقلی اقدام، و اهداف کلی شریعت اسلامی را تأمین نماید (مطهری، ۱۳۷۰، ۲: ۲۷) و از

کاربردهای بسیار زیادی در پاسخ‌گویی به مسائل متطوّر و مورد نیاز بشر معاصر برخـوردار است.

هشت ـ مقاصد شریعت

منظور از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و فوایدی است که مدنظر شـارع مقـدس از وضـع شریعت بوده است (تسخیری، ۱۳۸۸: ۱۱)؛ مانند حفظ کرامت انسـان، تحقـق عـدالت، حفـظ مصلحت، عدم اختلال در نظام، ایجاد امنیت و آبادانی زمین. مقاصد شریعت، منبع مستقلی در استنباط فقهی نیست؛ بلکه می‌تواند در فهم نصوص اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد (علیدوست، ۱۳۸۴: ۱۵۶) و عدم توجه بدان، پیامـدهای نـامطلوب فـراوان، همچـون سـیطره رویکرد جزئی‌نگر و غفلت از کلیات و اهداف اصلی دین، عدم پاسخ‌گویی مناسب فقـه بـه نیازها، و عدم ارائه پاسخ‌های کارآمد به پرسش‌های روزآمد جامعه را به دنبال داشته باشـد (ایازی، ۱۳۸۶: ۳۳۶). با ورود فقه سیاسی امامیه به مرحله نظـام‌سـازی، گـرایش فقهـای امامیه به استفاده از ظرفیت‌های مقاصد شریعت در استنباطات فقه سیاسی، تشـدید یافتـه است. تأسیس نهادهای آموزش همگانی و دیگر نهادهای پیشرفت‌دهنده جامعه اسـلامی، پذیرش قانون اساسی، جمهوریت، اصل شهروندی و نمونه‌های بسیار دیگـر، در چـارچوب مقاصد عالیه شریعت می‌گنجد، که بیانگر ظرفیت‌های بالای مقاصد شریعت در حوزه‌های مختلف سیستم سیاسی و نظام مدیریتی جامعه اسلامی است.

نه ـ قواعد فقه سیاسی

قاعده‌سازی، یکی از بهترین سازوکارهای فقه امامیه برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و کارآمدسازی نظام اسلامی در زمان‌های مختلف است که در یک مشابهت‌سـازی، از ایـن موضوع می‌توان به «رویکرد دکترینی»[1] در عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری عمـومی یـاد کرد (شفریتز و بوریک، ۱۳۹۰: ۲۸۴-۳۰۸). در فقه از دکترین‌های یادشده بـه «قواعـد فقهـی» تعبیر می‌کنند که عبارت‌اند از: «دستورهای کلـی فقهـی کـه در ابـواب گونـاگون جـاری می‌شوند» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۰ق، ج۱: ۲۳). بسیاری از مسائل سیاسی معاصر، از این قواعـد فقه سیاسی قابل استفاده‌اند؛ همچون ابعاد مختلف انتخابات، امـور خصوصـی شـهروندان، حقوق و آزادی‌های مردم، کاربرد مشورت در نظام قانون‌گذاری و اجرایـی، مسـائل نـوین

1. Doctrina.

دفاعی، روش‌های جدید تبلیغی، روابط خارجی، مسائل توسعه و نوسازی، و عدالت اجتماعی (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج۹: ۲۹).

ده ـ اصول عملیه

از منظر فقه امامیه، در شرایطی که فقیه یا مکلف پس از مراجعه به منابع فقه، وظیفه شرعی خود را نشناخت و دچار ابهام و شک شد، باید از اصول عملیه استفاده کند (مظفر، ۱۳۷۰، ج۲: ۲۶۷-۲۶۹). این اصول، یعنی برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب، افزون بر تعیین تکلیف مکلف در موارد فردی، حکم دینی بسیاری از موضوعات را که از طریق امارات یا ادله اجتهادی برای حکومت اسلامی قابل تعیین نیست، مشخص می‌کند و مکلف ـ اعم از تصمیم‌گیرنده و اجراکننده ـ را در مقام عمل یاری می‌نماید و به انعطاف‌پذیری برداشت‌های فقهی در خصوص مسائل جدید اجتماعی و سیاسی و برون‌رفت از تنگناهای اجرایی کمک می‌کند (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۳۱).

۵. سازوکارهای فقه سیاسی و کارآمدی

بر اساس رهیافت سیستمی جامع‌نگر، ملاک کارآمدی فقه سیاسی امامیه، میزان توانایی آن در سیاست‌گذاری‌های کلان، جامع و مبناگرا در فرایندهای مختلف داخلی و پیرامونی نظام سیاسی، در جهت تحقق حیات طیبه اسلامی است. تبیین نحوه کاربست و ظرفیت‌سنجی هر کدام از این سازوکارها در ارتباط با عناصر و سطوح مختلف کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در حوزه‌های داخلی و پیرامونی، نیازمند پژوهش‌هایی مفصل است. جدول ذیل (شماره ۱) همراه با بیان شاخصه‌های کارآمدی نظام ج.ا.ا[1] و تعیین سازوکارهای فقه سیاسی امامیه، به برخی مصادیق کاربردی[2] آن پرداخته است.

۱. این شاخصه‌ها مستخرج از شاخصه‌های مشترک در ارزیابی کارآمدی نظام‌های سیاسی (Almond and Pawell, 1978: 399)، و شاخصه‌های اختصاصی برگرفته از قانون اساسی ج.ا.ا، بیانات امام و رهبری، سیاست‌های کلان نظام، برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز، ارزش‌های عمومی و نگرش‌های ایرانیان است.

۲. اشاره به مصادیق و مسائلی است که در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مدیریتی در منابع حقوق اساسی و فقهی یا تحولات سیاسی ـ اجتماعی، متأثر از منابع فقه سیاسی امامیه بدان پرداخته شده یا دغدغه آن وجود دارد (علیدوست، ۲۴ اسفندن ۱۳۹۴).

سطوح/عناصر کارآمدی	شاخص‌های کارآمدی	سازوکارهای فقه سیاسی امامیه	برخی مصادیق و کاربردها
اندیشه بنیادین	خدامحوری، عقلانیت دینی، حاکمیت الهی- مردمی، امامت، قوانین اسلامی، معاد، آزادی و عدالت، اجتهاد پویا، علم و تجربه، مصلحت و پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه، سعادت دنیا و آخرت	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای اخکامی- رفتاری	اصول ۲، ۳، ۴، ۵ و ۵۶ قانون اساسی ج.ا.ا- حجیت عقل- ایده مصلحت نظام- تولید علم و نظریه‌پردازی دینی- سیاست‌های کلی نظام - طرح مفهوم نرمش قهرمانانه- اهداف و وظایف نظام ج.ا.ا - مشروعیت حاکم و حکومت- اصالت فرد و جامعه
ساختار	تناسب با ایده و اهداف، اتقان و انعطاف‌پذیری، ولایت امر، تفکیک قوا، تقسیم کار، تعامل قوا، ضوابط وحیانی، تجارب بشری، تناسب با مقتضیات زمان و مکان، جایگاه مردمی، کنترل قدرت	تمامی سازوکارهای بینشی ـ ارزشی و سازوکارهای احکامی ـ رفتاری	اصول ۱ ، ۵۷ و ۱۷۷ قانون اساسی ـ تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران ـ تدوین قانون اساسی و بازنگری آن ـ ولایت فقیه و رهبری ـ قوای سه‌گانه ـ مجلس خبرگان ـ شورای نگهبان- مجمع تشخیص مصلحت ـ سایر نهادها- بازنگری قانون اساسی ـ ایده تغییر نظام از ریاستی به مجلسی
کارگزار	صلاحیت اعتقادی و بینشی، شایسته‌سالاری، تدبیر، نظارت، مهارت و تخصص، زمان‌شناسی، وجدان کاری، هم‌گرایی، آینده‌نگری، کلان‌نگری، خدمت‌گزاری، وظیفه‌شناسی	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	اصول ۵، ۱۰۹، ۱۱۵ و ۱۵۷ قانون اساسی ـ صلاحیت‌های اخلاقی و مدیریتی ـ اجتهاد مطلق و متجزی ـ اعلمیت ـ مرجعیت ـ ایرانیت ـ جنسیت ـ تخصص و تعهد ـ رهبری فرد و شورا ـ نصب کارگزاران ـ ولایت مقیده و مطلقه فقیه ـ امور حسبیه ـ رجل سیاسی ـ اقلیت‌های دینی و مذهبی
رفتار	حُسن فعلی و فاعلی، سیاست‌گذاری و اجرای کارشناسانه و قاطعانه، هدفمند، دین‌مداری، عقل‌گرایی، واقع‌گرایی، تجربه‌گرایی، مشورت‌پذیری، قانون‌گرایی، هماهنگ، قضاوت عادلانه، تلاش و توکل	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	بندهای الف، ب و ج اصل ۲ قانون اساسی ـ رعایت حقوق ملت در اصول ۱۹تا ۴۲ قانون اساسی ـ ایمان و تقوا ـ ولایت‌مداری ـ عزتمندی ـ کرامت انسانی ـ انتقادپذیری ـ تخصص و کارشناسی ـ تکلیف‌مداری ـ تثبیت مردم‌سالاری دینی ـ انتخابات عمومی ـ برنامه‌های توسعه ـ ایثار و شهادت‌طلبی ـ نظارت و پاسخ‌گویی ـ اخلاق‌مداری ـ خدمت‌گزاری ـ مدارای سیاسی ـ حکم حکومتی

نظام فرهنگی	حاکمیت ارزش‌های الهی، شکوفایی اخلاقی و معنویت، عقل‌گرایی، فقه حکومتی، آزاداندیشی و تولید علم، مسئولیت پذیری، ایثار، ایمان، وجدان کاری، نظم و انضباط، تعاون و سازگاری اجتماعی، اعتمادملی، پیشرفت‌باوری، قانون‌مداری	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	اصول ۳، ۱۲، ۱۵، ۳۰، ۱۷۵ قانون اساسی، نهضت آزاداندیشی- تولید علم- فضای مجازی- فقه فرهنگ و رسانه - معماری اسلامی- حرمت تشبه به کفار- آزادی اندیشه و بیان- پوشش و مدگرایی- سینما - موسیقی و غنا - استقلال فرهنگی - مالکیت فکری- بازی‌های رایانه‌ای- هنرهای تجسمی
نظام اجتماعی	توسعه‌یافتگی، بهره‌مندی از عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، امنیت اجتماعی و قضایی، سلامت، رفاه، استحکام خانواده، محیط زیست مطلوب، برادری اسلامی، شایسته‌سالاری، همبستگی ملی، مسئولیت‌پذیری و نظارت همگانی، مردم‌سالاری دینی، رضایت‌مندی عمومی	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	اصول ۱۰ و ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی- سبک زندگی اسلامی- تمدن نوین اسلامی- گسترش نسل- تحکیم خانواده- محیط زیست- حقوق اقلیت‌ها- شبیه‌سازی- پیوند اعضا - منابع طبیعی - ارتباطات جمعی- تولی و تبری - غم و شادی - خانواده - تحزب - جامعه مدنی - رسانه- افزایش جمعیت - عدالت اجتماعی - دیه و قصاص - حقوق و تکالیف شهروندی - مجازات‌های جایگزین- آیین دادرسی مدنی و کیفری
نظام اقتصادی	توسعه اقتصاد اسلامی، عدالت‌محوری، دانش‌بنیان، خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی، امنیت کالاهای اساسی، ثبات اقتصاد کلان، رفاه عمومی، فقرزدایی، تبعیض و فساد، تعادل بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، اشتغال کامل	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	اصول ۴۳ تا ۵۵ قانون اساسی - احکام عقود یا معاملات - خمس - زکات - مالیات - اقتصاد مقاومتی- سیاست‌های اصل ۴۴ - تحریم تنباکو - بانکداری اسلامی - مؤسسات مالی - قانون اراضی شهری - قانون کار - اشتغال - مسکن - تجارت و بازرگانی - اراضی موات - حیازت - بازاریابی شبکه‌ای - پول اعتباری - بورس و اوراق بهادار - شرکت‌های هرمی - یارانه‌ها - وقف - جوایز سلطان - تجارت بین‌المللی - تجارت الکترونیکی -گردشگری - بیمه‌ها - آب‌های استراتژیک

نظام بین‌الملل	استقلال همه‌جانبه، حفظ اصول عزت، حکمت و مصلحت، تمامیت ارضی، امنیت پایدار و منافع ملی، نفی سلطه، تعامل و احترام متقابل، دفاع از مسلمانان و مستضعفان، همگرایی اسلامی و منطقه‌ای	تمامی سازوکارهای بینشی- ارزشی و سازوکارهای احکامی- رفتاری	اصول ۹ و ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی- دارالاسلام و دارالکفر - روابط متقابل مسالمت‌آمیز - وحدت اسلامی - حمایت از مسلمانان - بیداری اسلامی - استکبارستیزی - ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی - دفاع مشروع - فتاوای جهاد - آتش‌بس و صلح - تصویب قوانین مربوطه برای حفظ جان و مردم - تعطیلی موقت حج - پذیرش قطعنامه ۵۹۸

جدول ۱: مدل ظرفیت‌سنجی سازوکارهای فقه سیاسی و کارآمدی جمهوری اسلامی

۶. چرخه کارآمدی و فقه سیاسی

بر اساس رهیافت سیستمی جامع‌نگر، کارآمدی نظام.ا.ا، از یک سو به نگاهی نظام‌مند به همه عوامل داخلی و پیرامونی آن وابستگی دارد و از دیگر سو، با توجه به ابتنای تئوریک آن بر فقه سیاسی امامیه، بر کارآیی و کاربست همه سازوکارهای فقه سیاسی امامیه متوقف است که حصول چنین امری، نیازمند رویکرد نظام‌واره‌ای به همه ابعاد فقه سیاسی امامیه با رویکرد فقه حکومتی است.

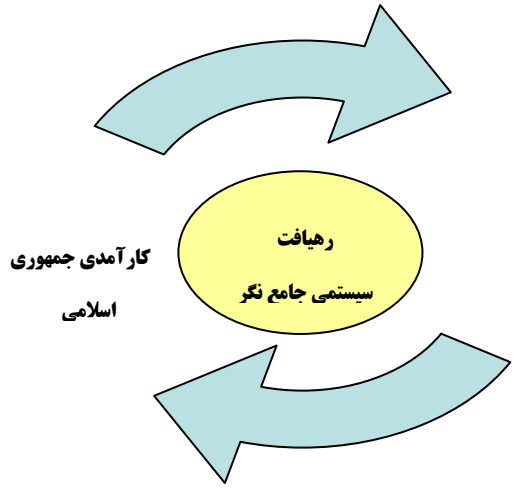

نمودار ۳. چرخه کارآمدی و فقه سیاسی با محوریت رهیافت سیستمی جامع‌نگر

طبق این نمودار، کاربست سازوکارهای فقه سیاسی امامیه با محوریت رهیافت سیستمی جامع‌نگر، در تبیین تئوریک ابعاد مختلف کارآمدی نظام ج.ا.ا و تحقق عملی آن، نقش مهمی ایفا می‌کند و از دیگر سو، با افزایش کارآمدی نظام ج.ا.ا، صحت و اتقان کارآمدی فقه سیاسی امامیه در مدیریت جامعه اسلامی اثبات می‌گردد و موجبات تعامل و

هم‌افزایی بیشتر این دو متغیر را فراهم می‌سازد.

۸. نتیجه

این پژوهش در راستای ظرفیت‌سنجی سازوکارهای فقه سیاسی در خصوص کارآمدی نظام ج.ا.ا، بر این فرضیه استوار گردیده بود که فقه سیاسی امامیه در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا، از دو دسته «سازوکارهای بینشی ـ ارزشی» و «سازوکارهای احکامی ـ رفتاری» برخوردار است و وصول به این هدف، نیازمند کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر به کارآمدی نظام ج.ا.ا، و فقه سیاسی امامیه به صورت توأمان می‌باشد. اطلاعات و مستندات ارائه‌شده در تحلیل و ارزیابی ماهیت کارآمدی نظام ج.ا.ا و فقه سیاسی امامیه، این فرضیه را تأیید می‌کند؛ زیرا کارآمدی ج.ا.ا، نیازمند رویکردی واقع‌گرایانه و جامع به ماهیت، عوامل و فرایندهای داخلی و محیطی نظام‌های سیاسی بوده، رهیافت سیستمی جامع‌نگر نیز بر این انگاره مبتنی است. مطابق آن، کارآمدی ج.ا.ا، با عناصر ایده‌ای، ساختاری، کارگزاری و رفتاری، و نیز نظام‌های پیرامونیِ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی در ارتباط می‌باشد. همچنین در فقه سیاسی نیز از آنجا که حکومت‌داری با همه متغیرهای مرتبط با مدیریت جامعه بشری، همچون ساختارها، قوانین، فرایندها و ارتباطات داخلی و پیرامونی سیستم، که بر یکدیگر و اهداف نهایی نظام سیاسی اثرگذارند، سروکار دارد، نیازمند شناسایی همه این ابعاد از منابع دینی است؛ نه صِرف استنباط حکم اجزا، بدون لحاظ روابط داخلی و پیرامونی، تأثیرات متقابل و مبانی بنیادین و اهداف نظام دینی و مقاصد عالیه شریعت. بدین ترتیب، بهره‌گیری از رهیافت سیستمی جامع‌نگر، در فقه سیاسی نیز ضروری است و از لوازم این رهیافت، اتخاذ رویکرد حکومتی به فقه سیاسی است که در آن، فقیه در مقام استنباط احکام شرعی، با پرهیز از نگاه فردگرایانه، حکومت، ادارهٔ جامعه و مصالح و مفاسد جامعه را لحاظ می‌کند و اجرای احکام را در بستر نظام حکومتی اسلامی، به عنوان نهاد ادارهٔ جامعه، مدنظر قرار می‌دهد. براین‌اساس، کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر در فقه سیاسی، به معنای در نظر گرفتن همه ابعاد معرفتی، بینشی و ارزشی اسلام، و سازوکارهای فقهی استنباط احکام، با نگرشی اجتماعی و حکومتی به همه شئون و مسائل داخلی و پیرامونی نظام اسلامی در استنباط احکام الهی، و در راستای وصول به مقاصد عالیه شریعت و تحقق حیاط طیبه اسلامی اسلامی است. در چنین شرایطی است که فقه سیاسی امامیه، از توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مدیریتی معاصر و کاربردهای مهم در راستای کارآمدی نظام ج.ا.ا برخوردار خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: انتشارات چاپار.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کارآمدی نظام سیاسی اسلام*، تهران: دانش و اندیشه معاصر اسلامی.
- ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۱)، *نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- اکبری، کمال (۱۳۹۲)، *فقه سیاسی و جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- امام خمینی (۱۳۸۷)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ـــــ ، (۱۳۸۳)، *صحیفه نور*، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی.
- ـــــ (۱۳۷٤)، *ولایت فقیه*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸٦)، *ملاکات احکام*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۳)، *مصلحت در فقه سیاسی شیعه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۱۲.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۳)، «روش‌شناسی کلام سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۸)، «فقه مقاصدی و حجیت آن»، *اندیشه تقریب*، شماره ۱۸.
- تهانوی، محمد (۱٤۱۸ق)، *کشاف اصطلاحات الفنون*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۱)، *توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه*، تهران: نشر هستی‌نما.
- حقیقی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳)، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: نشر ترمه.
- حکیم، محمدتقی (بی‌تا)، *الاصول العامه لفقه المقارن*، بیروت: دارالاندلس.
- خسروپناه، عبدالحسین و صالحه یزدانی‌فر (۱۳۹۵)، «نظام مدیریتی فقه و فرایند سیاست‌گذاری»، *فصلنامه علمی ـ پژوهشی راهبرد فرهنگ*، شماره ۳٦.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، *ولایت فقیه*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- ـــــ (۱۳۹۳)، *ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت*، قم: اسراء، چاپ سوم.

– خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، سید علی (۳۱ شهریور ۱۳۷۰)، بیانات در آغاز درس خارج فقه.
– ـــــ (۱۵ تیر ۱۳۸۳)، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان.
– ـــــ (۳۱ شهریور ۱۳۸۳)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.
– چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
– ذوعلم، علی (۱۳۸۵)، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
– ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۲)، *درآمدی به شیعه‌شناسی*، قم: مرکز بین‌المللی نشر المصطفی.
– سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، *قصه ارباب معرفت*، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
– سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۸)، *فقه سیاسی شیعه سازوکارهای تحول در دوران معاصر*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
– سید مرتضی، علی (۱۳۸۳)، *امامت و غیبت (المقنع فی الغیبه)*، قم: مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم.
– شفریتز، جی. ام و کریستوفر پی بوریک (۱۳۹۰)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
– شهید اول، محمد بن مکی (۱٤۱۹ق)، *ذکری الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
– شیخ طوسی، محمد (۱۳۹٤ق)، *تلخیص الشافی*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
– شیخ مفید، محمد بن محمد (۱٤۱۰ق)، *المقنعة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
– طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷٤)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
– عابدینی، آرش (۱۳۸۹)، *بررسی شاخصه های کارآمدی و کارآیی نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی(ره)*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
– عالم، عبدالرحمن (۱۳۸٦)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ شانزدهم.
– عاملی، ابن‌عبدالله (۱٤۲۰ق)، *القواعد و الفوائد*، قم: مکتبة المفید، چاپ دوم.
– علامه حلی، حسن بن یوسف (۱٤۱۳ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ چهارم.

– علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸٤)، «فقه و مقاصد شریعت»، *فصلنامه فقه اهل بیت*، شماره ٤١.
– ـــــ (٢٤ اسفند ١٣٩٤)، «٣٣٠ مسئله پژوهشی در فقه، اصول و حقوق اسلامی»، در:
- http://ijtihadnet.ir/330.
– عمید زنجانی، عباسعلی (١٣٦٦)، *فقه سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
– ـــــ (١٣٧٧)، *فقه سیاسی*، تهران: امیر کبیر.
– ـــــ (١٣٨٤)، *فقه سیاسی*، تهران: امیر کبیر.
– عنایت، حمید (١٣٦٢)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
– فارابی، ابونصر محمد (١٣٥٨)، *سیاست مدنیه*، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
– فتحعلی، محمود (١٣٨٣)، *مبانی اندیشه اسلامی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
– فیرحی، داود (١٣٩١)، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، تهران: نشر نی.
– ـــــ (١٣٨٣)، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران: نشر نی.
– قوامی، سید صمصام‌الدین (١٣٩٢)، *فقه الاداره*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
– لاریجانی، محمد جواد (١٣٧٣)، *حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران: سروش.
– مرتضوی، سید ضیاء (١٣٧٨)، «کارآمدی نظام جمهوی اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی ـ پژوهشی حکومت اسلامی*، سال ٤، شماره ١٤.
– مظفر، محمدرضا (١٣٧٠)، *اصول الفقه*، قم: اسماعیلیان.
– مطهری، مرتضی (١٣٧٠)، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
– صدر، سید محمدباقر (١٣٧٥)، *اقتصادنا*، قم: مکتبة الاعلام اسلامی.
– مکارم شیرازی، ناصر (١٣٨٥)، *دائرةالمعارف فقه مقارن*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
– ـــــ (١٤١٠ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
– محقق حلی، جعفر (١٤٠٣ق)، *معارج الاصول*، اعداد محمد حسینی رضوی، قم: آل البیت.
– میراحمدی، منصور (١٣٩٠)، «فقه و امر سیاسی»، *دوفصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، شماره ١.

– ـــــ (۱۳۹۱)، *ملاحظاتی بر چالش‌های فقه سیاسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
– نبوی، سید مرتضی (۱۳۹٤)، *جمهوری اسلامی و چالش‌های کارآمدی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
– نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
– واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱)، *نگرش سیستمی به دین*، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
– های، کالین (۱۳۸۵)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نشر نی.
– یوسفی، حیات‌الله (۱۳۸۹)، *ساختار حکومت در اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- Leo Strauss and Joseph Cropsey (1987), *History of Political Philosophy* ،Chicago Press.
- Almond Gabriel A. and Pawell G. Bingham, (1978), *Comparative Politics (system process and policy)*, Scond Edition, Little, Brown and Company.